



✎ Adelheid Marie Bwire

✉ Melany Pieterse

✉ Marzieh Mohammadian Haghighi!

|| 2

🗨️ فارسي Fa



**Global Storybooks**

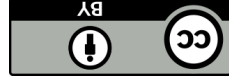
[globalstorybooks.net](http://globalstorybooks.net)

گلوبل سٽوريبوڪس

✎ Adelheid Marie Bwire

✉ Melany Pieterse

✉ Marzieh Mohammadian Haghighi!



This work is licensed under a Creative Commons  
[Attribution 3.0 International License.](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0)  
<https://creativecommons.org/licenses/by/3.0>



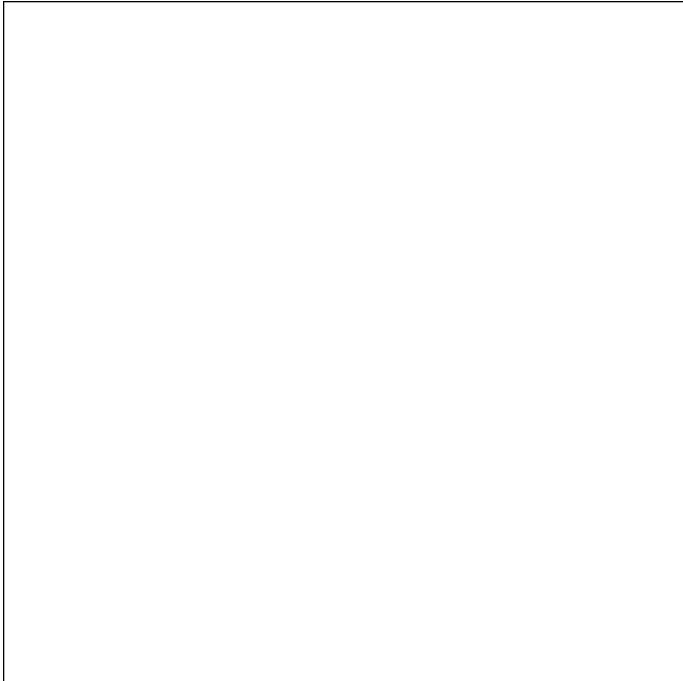


پک روز ملاّرم مقدارزیادی میوه خَرید.

”جورج لھتھا جو ہوتہ

نہیں آ،“ کہتے: ”جورج لھتھا“

ہوتہ یا جی لھتھا،“ کہتے: ”جورج لھتھا“



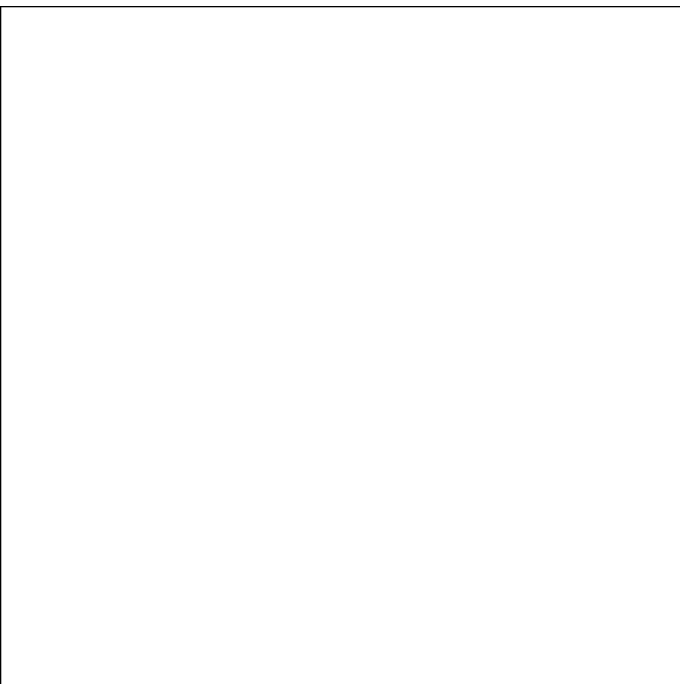


بَرَادَرَم رَحِيم پُرْخُور اَسْت. او اَز هَمه ي  
ميوه ها چشيد. وَ مِقْدَارِ زِيَادِي اَز ميوه ها را  
خورد.

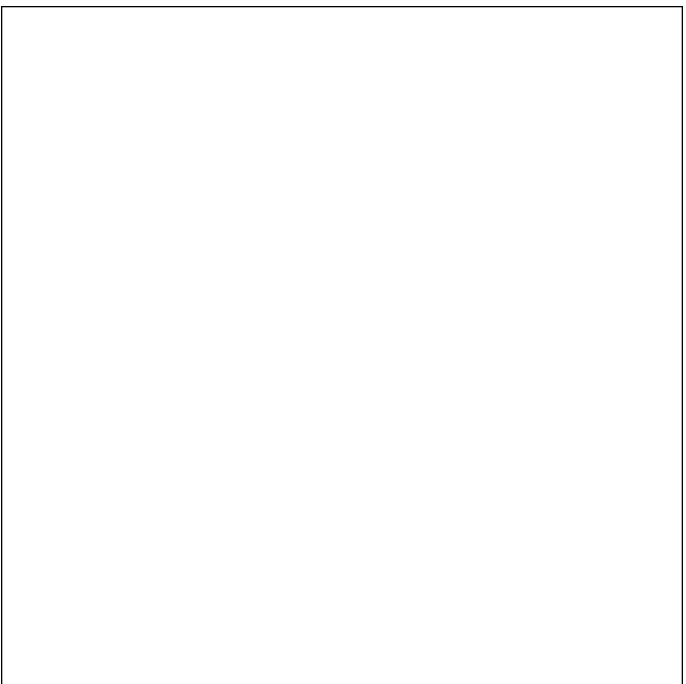


دَر آخِر رَحِيم اَز مَا عُدْر خَوَاهِي كَرْد. وَ اَيْن  
قَوْل رَا دَاد: “مَنْ دِيْكَر هِيْچَوْقْت اَيْنْقَدْر  
پُرْخُورِي نَخَوَاهَم كَرْد.” وَ مَا هَم حَرْفَش رَا  
بَاوَر كَرْدِيْم.

املا می دانست که این اتفاق خواهد افتاد.  
 متوجه شد رحیم را تنبیه کردند



برای کوهچکم فریاد زد: "ببینید رحیم چه  
 کاری کرده! من هم گفتمم رحیم سرکش و  
 خودخواه است."



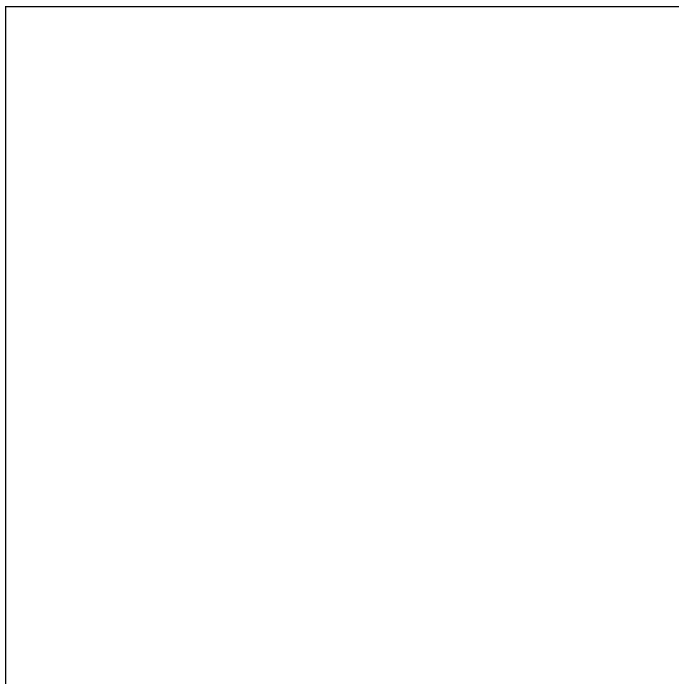


مادر از دستِ رحيم عصبانی شد.



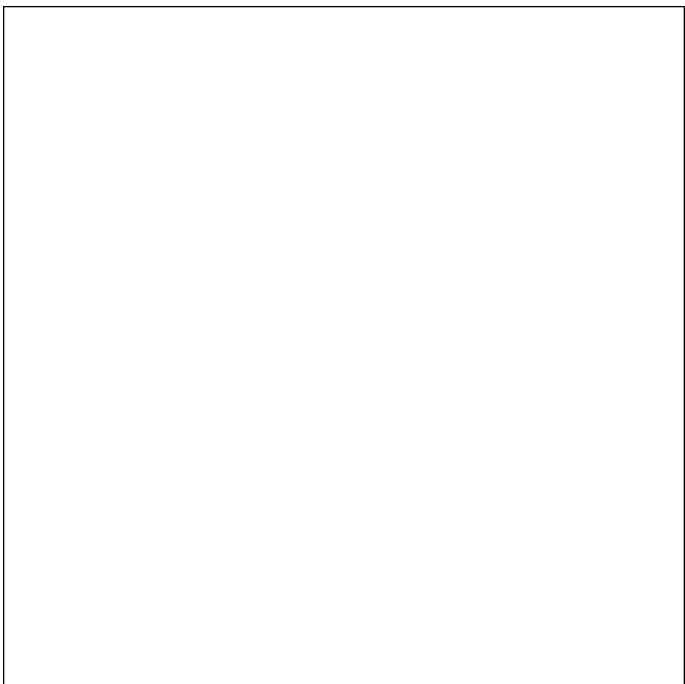
رحيم آرام زمزمه می کرد. “شگم خیلی  
پیچ می خورد.”

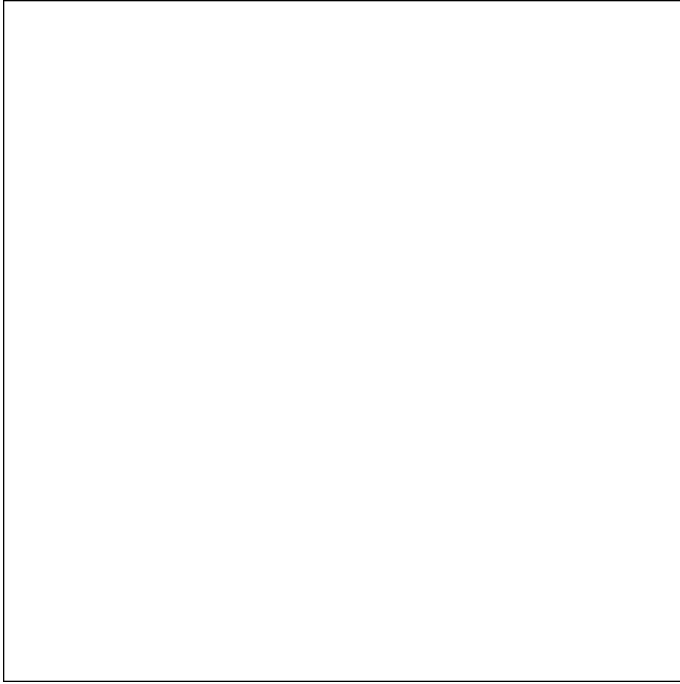
رحیم داشت اِحسانِ مریضی می کرد.



اصلاً متأسف نشد.

رحیم از دستش عصیانِ شدیم. ولی رحیم





برادرِ کوچکِ پُرسید: “نمی خواهی رَحیم را  
تنبیه کنی؟”



مادرِ به رحیم تذکر داد، “به زودی از این  
کارت پشیمان خواهی شد.”